

## ما فیای چای همچنان از کیسه چایکا ران زحمتکش شمال ایران میخورد .

بحران صنعت چای ، به مانند گذشته گریبان بی سیاستیها ی اقتصاد ی رژیم را گرفته و هر روز بر ابعاد ان افزوده میگردد . در این زمینه بنا بر گزارش سایت انترنیتی امروز در اذر ماه ۸۱ ( سالانه ۲۰۰ میلیون تومان سود از طریق واردات چای خارجی به جیب بخش خصوصی یعنی همان ما فیای چای ریخته میشود ) در این راستا یکی از اعضا \_ اتحادیه بازرگا توزیع کنندگان چای کشور \_ که در برابر شبکه مافیای افاضاده ها متضرر شده اند اعلام میکند . ( حدود ۱۸۰ هزار تن چای تولید داخلی در انبارهای سازمان چای شمال در نوبت قرار دارد ولی مشتری و خریدار وجود ندارد ) چرا که مافیای چای همواره تولید داخلی را دور زده و با ورود چای خارجی و افزودن انواع اسانسهای معطر بد ان وعرضه ان در بسته بندیهای گوناگون به چند برابر قیمت به مصرف کنندنده ، بازار داخلی چای را همواره با بحران روبرو ساخته اند .

در این رهگذر کشاورز چایکار بدلیل بدهکاری ، گرانی ، سختی معیشت و فقر روز افزون خود و خانواده اش ، در برابر گذران زندگی و پرداخت بدیهیای دوران بیکاریش به بانک کشاورزی و به سلف خران روستا ها مجبور میگرددند در بهار هر سال برگ چای را تنها در برابر نرخ اعلام شده دولتی به کارخانه داران بفروشند . در این میان مافیای چای که امروز حتی در درون مجلس اسلامی نیز نقب زده با بی عمل نگه داشتن نقش دولت در برابر بحران فزاینده اقتصادی اش ، کارکرد انرا نیز در تمام عرصه ها خنثی میسازند .

نقش ( سندیکای کارخانه داران چای ) که ان نیز حافظ منافع بخش خصوصی است ، قدرت مقابله در برابر این شبکه را نداشته و ندارد ، لذا همواره بر دامنه بحران افزوده میشود . در مقابل چنین وضعیتی نقش تشکلهای پراکنده کشاورزان چایکار نظیر اتحادیه کشاورزان علیرغم قدمت زیادی که دارند ، امروز بیش از ان که در بر هم زدن ماهیت مناسبات تولیدی و ابزار کار بتوانند تاثیر ضروری بگذارند در واقع بشکل فرمال در سطح ارتباطات محدود انهم تنها در حوزه کشاورزی چای دست به عمل میزنند .

این نوع تشکلهای در حال حاضر فاقد خواستگاه عمومی و فراگیر هستند و همواره تنها به وضعیت صنفی و اقتصادی حوزه های کاری خود میانندیشند . در حالی که بر طرف کردن بنیابهای فراگیر عمومی اقتصادی و سیاسی در راستای زدودن فقر انان در برابر ( سندیکای کارخانه داران چای شمال ) که منافع استراتژیک صاحبان چای را نمایندگی میکنند ، بجای رودرویی با ان در شرایط بحرانی همواره به دامن دولت و نمایندگان انها یعنی استاندار و فرمانداریهها پناه میبرند ، در حالیکه بحران صنعت چای ناشی از کاربرد عمومی سیاستهای همین دولت رانت خوار و طرفدار سرمایه است .

امروز بر بستر بحران عمومی کشور در برابر مشکلات معیشتی روز افزون ان ، کشاورز چایکار هم تنها و تنها به بودن و نبودن خود می اندیشد . او به تقویت پایه های تشکلات خویش ، علیرغم ضرورت ان در راستای اثر گذاری بر امر کار ، تولید و رودرویی با بهره کشی ، رانت خواری و برای در هم شکستن شبکه ما فیای چای ، بدلیل مشکلات کمتر به امر در هم آمیزی با دیگران و هماهنگی کار فکر می کنند . در حالیکه کشاورزان در برابر مصایب و مشکلات موجود ، می بایست بیش از پیش به امر گره خوردن خویش با دیگر اقشار اجتماعی چون کارگران کارخانجات چای و همراهی با کارگران برنج کار و سایر مزد و حقوق بگیران و تهیدستان روستایی و شهری بیاندیشند و نیروی اجتماعی خود را در این راستا سازمان دهند . زیرا که

همین پراکندگی و تشتت، زمینه گسترش فقر و تا حد زیادی، سرکوب آنان را فراهم مینماید. راهکار عمومی برای برون رفت از بن بست مناسبات موجود، که هر سال با پشت سر گذاشتن زمستان و آغاز بهار رخ مینماید اینستکه - کشاورزان و کارگران چای بیش از پیش به در هم آمیزی تقویت مبارزات خود بیاندیشند.

در این راستا برای مقابله با نمایندگان (اتحادیه بازرگانان و توزیع کنندگان چای کشور) که بعد از قیام بهمن ۵۷ به اینسو از یکطرف خود را در هیکل وجودی امام جمعه های گیلان بویژه شخص (قربانی لاهیجانی) بنمایش گذاشته است و از سوی دیگر در تقابل با سیاستهای دولت و عوامل مداخله گر آنان در سندیکای کارخانه داران ماوا گزیده اند، باید بیش از هر چیز صف متحد کشاورزان زحمتکش شمال در حوزه های تلاشگر برنج کاری - ابریشم کشی (نوغانکاری) باغداری مرکبات و صیفی کاری، اشتراک مساعی و همکاری های هدفمند خویش را، در جهت ساماندهی تشکلات مستقل خود فراهم آورند.

امروز کشاورزان میبایست با ایجاد تعاونیهای تولید، فروش، مصرف و با پایه گذاری تشکلهای موثر در هر منطقه و زنجیره ای کردن ارتباطات شان برای فراهم آوردن اتحادیه کشاورزان سراسر شمال ایران در جهت سازماندهی فروش برگ چای، برنج، ابریشم و مرکبات به قیمت معقول در برابر گرانی اجناس اقدام نمایند.

اگر بموقع چنین اقدامی صورت نگیرد با باز بودن دست افتازده ها و مافیای قدرت و سیستم دلالی و واسطه گری و تشکل های دست ساز از بالا در صحنه کارگری و مطالبات کشاورزی، چیزی جز تشدید فقر و فلاکت، بیکاری فزاینده، رواج اعتیاد و فحشا، تنگدستی و مبتلا شدن گسترده جوانان به امراض گوناگون، مرگهای زودرس، خودکشی، از هم پاشیدگی خانواده ها، افزایش کودکان خیابانی و تشدید استثمار و بهره کشی و کوچ و ترک اجباری محل برای عموم روستاییان و بویژه طبقات تحتانی آن، هیچ چیز دیگری بدست مردم نخواهند رساند.

در این میان گسترده ترین زمینه سازماندهی تقابل در برابر بی نقشه گری دولت و در هم شکستن شبکه های مافیایی افتازده ها، واسطه های گردن کلفت آنان در منطقه سراسر شمال که طی سالیان در سطح روستاها بر بستر مناسبات کهن خود را باز تولید می کنند، تا بشکل اختاپوسی، زندگی مردم زحمتکش را با بحران همه جانبه روبرو گردانند، چیز دیگری شاهد نخواهیم بود.

میتوان گفت در عمق بحران حکومتی، حیات اقتصادی نزدیک به ۶۰ هزار خانوار چایکار که در خطه شمال ایران باغداری می کنند و اغلب نیز با اتحاد تک محصولی در برابر هزینه های گران، چرخ زندگی خود را میگردانند و صد ها و صد ها تن کارگر صنعتی و حدود ۱۶۰ کارخانه چایسازی امروزه در برابر نقش فزاینده مافیای چای که ورود چای نامرغوب خارجی را در دستور کار خود دارند، میروند که تعطیل و ورشکسته اعلام گردد، بدین ترتیب با تعطیل این کارخانه ها بیش از پیش بر بار مشکلات و مصایب کارگران، کشاورزان باغدار و خویشاوندان آنان افزوده میشود و ما شاهد بیکاری روز افزون، اقتصادی ورشکسته تر در عرصه صنعت چای، برنج، ابریشم و مرکبات در ایران خواهیم شد.

چاره کار در ایجاد تشکلهای پایه از جانب توده دهقانان و زحمتکشان روستایی بدون چشم داشتن به بالاهیاها و با گره خوردن هر چه وسیع تر شما با جنبش مطالباتی مزد و حقوق بگیران شهری و دانش آموزان، دانشجویان، روشنفکران مترقی و توده زنان و اقلیت های ملی و زبانی بر بستر پایه گذاری تشکل های مستقل خویش بر گرد یکدیگر و سازماندهی سراسری مبارزات مضمون می یابد. برای باروری این سطح از مبارزات مداخله گرانه، میباید از هر امکانی بهره گرفت بویژه رویکرد به نشریات منطقه ای که در بازتاب مسایل عمومی تان یاری بخش الام و مشکلات شما باشند. ما باز هم در این باره صحبت خواهیم داشت.